

پشت پرده ای از سناریوی امتناع در معادله قدرت کرزی گروگان گیری مظلومیت یک قوم !

پیوسته به گذشته بخش سوم :



محمد امین فروتن

در قسمت های قبلی بر این توضیح تأکید کردیم که کالبد بیمار و تاریخی حیات چندین هزار ساله مردم افغانستان را ویروس استخاره !! گرفته و کسی را که با سحر ساحران و جادوی جادوگران از صندوقچه به ظاهر زیبایی دموکراسی و بازار آزاد و با مهر کنفرانس تاریخی « بُن » بیرون آورده شده است به هذیان گوئی رسیده است حتی با ولی نعمتان اش شاخ به شاخ میشود و دوستان و دشمنان اش ، گروه ، گروه از وی در حال گریزانند !! امروز وقتی یک فیلم حیات سیاسی نلسون ماندیلا فقید یکی از رهبران بزرگ افریقای جنوبی که شیوه های مبارزاتی زندگی وی الهام دهنده اکثریتی از نهضت های آزادی بخش دنیا گشته است را که به مناسبت بزرگداشت مقام داهیانه آن رهبر بزرگ از شبکه جهانی BBC منتشر میگردید میدیدم آنگاهی که آخرین دوران حیاتش را مینگرستم یک کپی برداری مسخره آمیزی از نوع گام زدن اش در رفتار آقای حامد خان کرزی در یافتم ، و دریافتم که چگونه این کالبد پوکی از تمسخر و استهزاء سعی دارد قامت آن سردار و رهبر مبارزات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه ای از مبارزین راستین جهان را با چنین حرکات تقلیدی و مصنوعی مافیائی مسخ کند ؟ برای اینکه فرصت نیست و هم اینکه بحث را با این حکایت طولانی نکنیم و مختصر زمینه ای برای بحث مفصل در آینده داده باشم به این تشابه مسخره آمیزی اشاره نمودم تا شما عزیزان نیز با تأمل عالمانه تان فرصت یکبار دیگر باز بینی این واقعیت را دریابید



هذیان گویی های سرخ از زبان یک جنرال !

قبل از آنکه به حکایت پشت پرده ای استعفای پیر سید حامد گیلانی فرزند ارشد و جانشین پیر سید احمد گیلانی از معاونت کمیسون تدارکاتی لویه جرگه پیمان امنیتی افغانستان با امریکا را از همان جایی آغاز کنیم که بخش دوم بر آن پایان یافته بود به درد تازه ای اشاره میکنم که با دریغ و تأسف به گفته ء شاعر بلند آوازه زبان پشتو که میگوید : هم می وؤ ژنی په خپله هم پرما باندی ژړا کا - څه ښه یار دې ښه یی مینه وژل هسی شیون هسی ! در این هنگام که کارگزاران مافیای حاکم جوهراتحاد و همزیستی تاریخی مردم افغانستان را به عنوان بزرگترین پایگاه فکری جامعه ما شناخته است و همه جناح ها ی اجتماعی و اعتقادی در این اصل موافق اند که در جغرافیای بنام افغانستان همه اقوام اعم از ازبک - پشتون - تاجیک - هزاره و دیگر ملیت های خورد و بزرگ ، همچنان طبقات و شعبات اجتماعی و مذهبی صاحبان اصلی این سرزمین به حساب می آیند توطئه بزرگ دیگری را که زاده ء عوامل پیدا و پنهانی است براه انداختند ، توطئه ای که بسیاری از ملت ها را با میتود ترزیق باد برتری جویی قومی و نژادی از پا درآورده اند .



اکنون بهتر است که جهت یافتن چهره اصلی و معالجه مناسب به زمان این ویروس سخنان یکی از بلندرتبه ترین کارمندان استخباراتی رژیم دکتور نجیب الله یعنی کسی بنام جنرال عبدالواحد طاقت رئیس یکی از شعبات مهم خدمات امنیت دولتی افغانستان "خاد" را که پس از سقوط رژیم دکتور نجیب الله بویژه پس از حوادث خونین یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ میلادی در جدارهای از قدرت قریافتند و آقای جنرال طاقت نیز پس از آزمائش و طی نمودن پله های زیادی بحیث رئیس مرکز استراتیژیک افغان که گفته میشود از همان ازدالر های که حکایت آن را چندی قبل به استناد به یک گزارش روزنامه معروف امریکائی واشنگتن پُست Washington Post شهره عام و خاص شد و مانند باران " رحمت " بر « شورای امنیت ارگ شرف !! » می بارند حق الشلوغ !! اخذ ملدارند گوش فرا دهیم و بشنویم که این بیمار روانی از ذهن بیمارارش چه طراوشات و فرمایشاتی دارد و آن دالر های مبارکه دارای چه ثواب ها و برکاتی اند !! ؟

<http://www.youtube.com/watch?v=x7pToNHPC0w>

لازم است در اینجا و در مقام یک شهروند معمولی و بسته به قوم پشتون برائت ام را از اینگونه اظهارات اعلام کنم و اعلام میکنم که غریزه هرنوع خشونت ، جنایت و برتری جوئی ها در سرشت و فطرت انسان نهفته است اما به عنوان یک نویسنده و روشنفکر نه میتوانم عوامل و ریشه های این پدیده ذشت انسانی را نادیده گرفت رایز گذشته پرستی و غرورهای متعلق به آن آنگاه که به صورت یک پروژه و یک عمل اجتماعی اجرا و عملی گردد لزوماً در بطن مناسبات و شرائط حاکم بر جامعه باید مورد مطالعه قرار گیرند ، زیرا عصر ما عصری است که سخت پریشان حال شده است و انسان این سرزمین با همه داشته ها و افتخارات اش در عین جستجو برای نقشه راه و ایدپولوژی نجات ، تنها راه را در این میبیند که ناگزیر در این خیطه تاریخی و جغرافیای انبوه مشکلات و سرگردانی ها را به تنهایی تحمل کند و در وهله اول از هویت و گذشته تاریخی اش خود متنفر گردد و در ثانی با شیوه غیر اخلاقی و غیر مدنی افکار عامه را به وجد آورد و تحریک کند . شاید نه میدانند و یا هم متوجه نه شده اند که اگر ما از یکسو محکوم به زندگی در جهانی هستیم که به دلیل سلطه لایتنهی انسان بر طبیعت و هستی به دهکده ای مبدل شده است لهذا لزوماً باید در حوزه اجتماعی و فرهنگی حیات نیز از قوانین واحدی متابعت کرد که انسان را نه تنها برادر انسان بلکه در یک مسیر واحد فرهنگی و تمدنی با گذشته اش متصل سازد . بادر و دریغ که ویروس و جراثیم این بیماری مهلک و واگیر بیش و پیش از همه بر تنه های پوسیده و ملمع کاری شده ای از روشنفکران و رجال حوزه فرهنگ و " سیا " ست لانه کرده است و این یک مصیبت بزرگی است .

بدون شک که این نوع برخورد ها خود عکس العمل های را تولید میکنند که هیچگاه به نفع ما و تاریخ باستانی جامعه ما نیست و میتوان با کمی دقت دریافت که جنس و ماهیت این جراثیم از آن آمیب های مفیدی نیست که از آب و خاک میهن باستانی ما رؤئیده باشند و بتوانند در بازسازی فرهنگی و ساختار های تمدنی از آن استفاده کرد ، اکنون ببینیم و به سخنان یکی از شخصیت های نسبتاً مشهوری در تباری از شعراً و فرهنگیان کشور آقای لطیف پدram عضو یک نهاد رسمی و مدنی مملکت درد دیده ما یعنی پارلمان افغانستان که در یک تریبون نسبتاً عمومی بیان کرده است گوش کنیم که برخی ارزشهای قبول شده ملی و یا هم بحث برسر اینکه چگونه باید تابو شکنی کرد و ارزشهای ملی را از نا ملی جدا میسازد ؟ و چگونه و با کدامین زبان و کلیماتی به نقد میکشد ؟

<http://www.youtube.com/watch?v=TiSbWrYcW4s>

همچنان از تمامی کسانی که این دو کلیپ ضد ملی را دیده اند و شنیده اند احترامانه میطلبم تا با توجه به موقعیت حقوقی هردو گوینده یعنی آقای لطیف پدرام شاعر، نویسنده و فعال سیاسی و دودوره عضو پارلمان افغانستان و آقای جنرال طاقت کارشناس امور نظامی این پرسش را نیز در ذهن خویش پاسخ دهند که سخنان کدام یکی از این دو بزرگوار هتاک !! بستری بوده است که در این آشفته بازار مافیائی انگیزه بر انگیزختن افکار عامه را فراهم نموده است !، البته جهت معلومات تمامی خواننده گان ارجمند این یاد داشت باید گفت که سخنان جناب لطیف پدرام دست کم پنج سال قبل در یک برنامه انترنیتی بنام پالتاک که جناب شان از شهر کابل بصورت زنده صحبت میکرد و سخنان جناب جنرال عبدالواحد طاقت که همین دو هفته قبل از یک شبکه تلویزیونی بنام ژوندون که از کابل پخش میگردد در یک میز مدوری بیان داشته است و پس از انتشار آن آنگاهی که آقای کرزی حین یک سخنرانی بدون آنکه از آن برنامه نام ببرد برخی رسانه ها بالخصوص تلویزیونهای خصوصی را به تبلیغات ضدملی و فراهم کننده خشنودی خارجی ها و بیگانه ها متهم ساختند ، و بدین ترتیب پروژه یک غیرت مصنوعی کلید خورد و زمین و آسمان را شعارهای کاذب و بی ماهیتی چون : مرگ بر دشمنان وحدت ملی !! فرا گرفت. هرچند آقای طاقت که با بی طاقتی کامل سیاسی !! از مردم ستمدیده افغانستان از ابراز چنین اظهارات دشت و بی مایه پوزش خواست اما هیچگونه تضمینی و جود ندارد که در آینده و با فراهم آمدن شرائط لازم این نوع اظهارات دوباره تکرار نگردد زیرا تنها پوزش طلبی انتزاعی پس از انجام یک عمل دشت مشکلی را حل نه میکند ، نفرت افگنی ، دامن زدن به مؤلفه نفاق ملی و قومی یکی از عمده مسائلی است که همه جوامع بشری کم و بیش با آن دست و گریبان اند تا جاییکه عده ای باور شان بر این است که وی و قبیله اش بصورت انفرادی و یک تنه وارث تمامی افتخارات و ارزشهای بدست آورده تاریخی اند و یا هم در همان برهه ای از تاریخ و یا هم هر مقطع دیگری کتله های از یک اجتماع در برابر این پدیده نفرت انگیز واکنش بالمثل و یا هم سخت تر از آنرا نشان میدهند نه میتوان گفت که ویروس این بیماری بصورت قطع نابود و در حریم تاریخی وجغرافیاوی یک جامعه و یک قوم ریشه کن ساخته شده است ، بی آنکه دلیل و تفسیر منطقی وریشه ای درستی برای بیان آن وجود داشته باشند .

پشت پرده سناریوی امتناع آقای کرزی :

یکی از برجسته ترین توجهاتی که نظام کنونی حاکم بر مقدرات سرنوشت جامعه افغانستان دارد و بدان در چندین وجه پرداخته است خصلت استخاره ای آن است که بصورت دوا مدارتو هومات و خرافات تیوریزه شده ، مظلومیت یک قوم را به گروگان گرفته اند . لهذا کاملاً طبیعی است که معادله ایمان و خدمت به مردم از مدار خدا پرستی و مردم سالاری در گردابی از روابط مافیائی و خویشاوندی غوطه ور شده است و بجای تقویت مؤلفه های عقیدتی که با ایمان مردم تعلق دارند و ضوابط در حوزه استخدام و گزینش که استعداد های از نسل جوان و بالنده ما را مورد نشانه و آزمائش قرار می گیرند ، روی مناسبات قومی و مؤلفه های خویشاوندی حساب باز میکنند . و چنانچه دیدیم گروه حاکم مافیایی با سخنگویی حامد کرزی برای حصول نتایج مورد نظر به بهانه موافقت نامه امنیتی با امریکا برای برگزایی مطلوب و مدیریت صحیح لویه جرگه کمیسیون تدارک لویه جرگه را توظیف نمودند و آقای حامد کرزی در مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ریاست کمیسیون تدارکاتی لویه جرگه را به یکی از ولی نعمتان خود همان مرشد استخاره صبغت الله مجددی و مؤتلف خانواده گی اش پیر سید حامد گیلانی فرزند ارشد پیر سید احمد گیلانی مشهور به آفندی جان آغا با همراهی مرد دیگری از سلاله فقه و

شریعت که بلندترین مدارج علمی را با گذراندن چند زمانی در پوهنتون الازهر شریف مصر با هزاران تملق گوئی ها دریافته است ، واگذار ساختند .



یعنی مرشد بزرگی از استخاره جناب حضرت صبغت الله خان مجددی بحیث رئیس ، پروفیسور نعمت الله خان شهرانی از همراکان فقید استاد برهان الدین ربانی بحیث معاون اول همچنان پیر سید حامد جان گیلانی بحیث معاون دوم کمیسیون تدارک برگزیده شدند ، اما آنگاه که دریکی از شامگاه های سرد خزانی و در کمال ناباوری خبر کوتاهی از استعفای سید حامد گیلانی معاون کمیسیون تدارک لویه جرگه پیمان امنیتی با امریکا از معاونت کمیسیون تدارک لویه جرگه در خیا بان های نسبتاً خلوت شهر کابل پیچید پرسش های بی شماری را در نزد کسانی که تحولات مربوط با لویه جرگه را با دقت دنبال میکردند بوجود آورد . وقتی آقای سید حامد گیلانی معاون مستعفی کمیسیون تدارک لویه جرگه علت استعفای خود از مقام معاونت لویه جرگه را در پوشش شعار عدم ضرورت لویه جرگه برای چنین امر معمولی اعلام نمودند که به قول آگاهان امور علت استعفای آقای حامد گیلانی غیر از آنچه بوده که آقای سید حامد خان این گیلانی کوچک عنوان داشته است . سرانجام روزنامه امت چاپ کراچی از زبان یکی از همراهان مسافرت یکروزه نواز شریف صدراعظم پاکستان پرده از تمامی سناریوی لویه جرگه ای که برای بحث بر معاهده امنیتی با امریکا به کابل فرا خوانده شده بود برداشت و حدس و گمانهای برخی از کارشناسان و آگاهان سیاسی اوضاع منطقه بویژه تحلیل گران امور سیاسی افغانستان و پاکستان را درست و صحیح از آب در آورد . زیرا آنگاه که نواز شریف صدراعظم پاکستان پس از انجام مسافرت یکروزه کابل به اسلام آباد برگشت روزنامه امت چاپ کراچی در شماره روز چهارشنبه چهارم دسمبر خود به نقل از کسی که نواز شریف صدراعظم پاکستان را در سفر یکروزه به کابل همراهی میکرد در بخشی از موافقتنامه امضاً نه شده میان کرزی و نواز شریف چنین نوشت * : در صورتیکه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به تعویق بافتد و حامد کرزی از امضای معاهده ابا ورزد بر مبنای مذاکرات میان نواز شریف و حامد کرزی طرح تشکیل یک حکومت وسیع البنیادی متشکل از تمامی جناح ها به شمول تحریک طالبان و حزب اسلامی افغانستان که ریاست آنرا آقای حامد کرزی برعهده داشته باشد مورد بحث قرار خواهد گرفت درروشنی این گزارش افشاگرانه بسیاری از معادلات چند مجهوله سیاسی مربوط به تدویر لویه جرگه برای قرار داد امنیتی امریکا واضح گردید و یاهم دریچه تازه ای بروی تحلیل گران و آگاهان امور سیاسی افغانستان و جهان گشوده شد

ادامه دارد

* نواندیشی تربیون نواندیشان مسلمان افغانستان به نقل از روزنامه امت چاپ کراچی